

شعر و انقلاب: بررسی مهمترین مضامین سیاسی و اجتماعی شعر دوران مشروطه سال 1905م – 1925م

رؤوف محمود سعيد

رشته زبان کردی، دانشکده پرورش چمچمال، دانشگاه سلیمانیه، اقلیم کردستان - عراق

تاریخ وصول: 2015/01 تاریخ پذیرش: 2015/05 تاریخ انتشار: 2018/03 <https://doi.org/10.26436/2018.6.1.601>

چکیده:

انقلاب مشروطه بر اثر تغییراتی که در نظام حکومت پدید آورد نظام ادبی را هم دگرگون ساخت. هر چند نباید فراموش کرد که این انقلاب هم به نوبه خود محصول روشنگریهایی بود که در شعر شاعران این دوره متجلی بود و نتیجه آن آگاهی هر چه بیشتر مردم به حقوق انسانی خویش بود و بنابراین شعر و ادبیات این دوره سهم خود را در به پیروزی رساندن انقلاب مشروطه ایفا نمود. به طور کلی انعکاس تحولات این عصر را می توان در شعر عصر مشروطه ملاحظه کرد. شعر مشروطه بیش از هر چیز رنگ و بوی سیاسی دارد و با انقلاب مشروطه پیوند خورده است. در آثار شعری بزرگ این دوره مفاهیمی چون وطن پرستی، آزادی، مبارزه و با استبداد و دخالت بیگانگان و توجه به مسائل زنان به کرات دیده می شود.

این مقاله در پی بررسی مهمترین مضامین اجتماعی و سیاسی در اشعار دوران مشروطه است.

واژه های کلیدی: انقلاب مشروطه، شعر و انقلاب، مضامین سیاسی و اجتماعی، شعر دوران مشروطه.

آستانه انقلاب مشروطیت (1905) حسب ظاهر، هنوز تمامی خصوصیات جامعه شناختی یک جامعه سنتی را حفظ کرده بود. شکل حاکمیت سیاسی، استبداد کهنسال ایرانی بود که به حق میتوان آن را نمونه متعارف استبداد شرقی دانست. تاریخ ما به تحقیق فاقد هرگونه سابقه ای از مشارکت مردم در امر حکومت و اداره جامعه بود.⁽²⁾ طی قرن نوزدهم میلادی در اثر یک سلسله تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رفته رفته شکافهایی در جامعه سنتی ایران پدیدار گردید و حقانیت رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی مورد تردید قرار گرفت.⁽³⁾

شکست سپاه ایران از سپاه روسیه تزاری آنها تنها در مدت چند دقیقه، حاکمان و همچنین ادیبان و روشن فکران را برآن داشت که به جستجوی دلایل شکست ایران و دلایل پیشرفت اروپاییان باشند. از آنجا بود که اولین اقدامات و تلاشهای مدرن سازی ایران شروع شدند. از آن جمله می توان به تاسیس مدرسه دارالفنون در سال (1851) و اعزام دانشجو به اروپا اشاره کرد. آشنایی روشنفکران با افکار جدید باعث شد که آنها هم به ستایش مدرن مانند محدود کردن مطلقه پادشاه و حاکمیت قانون بپردازند. تا جاییکه دوای درد ایران را یک کلمه می دانستند که آنها "قانون" بود. نشان به آن نشان که میرزا یوسف خان مستشارالدوله یکی از مهمترین رسالات خود را با عنوان یک کلمه منتشر کرد.

1. مقدمه

نهضت مشروطه، حادثه اجتماعی مهمی بود که موجب حرکتی ژرف در افکار ایرانیان شد. این واقعه از دو جنبه تأثیر خویش را آشکار کرد: نخست آنکه بر اثر مشروطه خواهی، خواندن و نوشتن که تا آن زمان تنها متعلق به طبقه اعیان و خواص بود، عمومی شد و ایجاد مدارس که قبل از مشروطه شروع شده بود، گسترش یافت و چاپ روزنامه های گوناگون و انتشار مقالات سیاسی و اجتماعی، ذهن مردم را با این امور آشنا کرد و همین آشنایی، سبب به وجود آمدن نیازهای ادبی گردید. همچنین تمام کسانی که روزنامه می خواندند، مانند مستوفیان، ادبا، و دبیران قدیم، در فنون ادب مهارت نداشتند و به همین دلیل خواهان ابیاتی بودند که فهمش برای آنان میسر باشد و مضامین و معانی آن با زندگی شان تناسب داشته باشد. دوم آنکه اوضاع جدید، سبب ایجاد رابطه با کشورهای اروپایی و اقتباس افکاری شد که تا آن زمان در ایران بی سابقه بود. این افکار؛ یعنی آزادی خواهی، وطن پرستی، تعصب ملی و انتقادات سیاسی و اجتماعی که از بدو مشروطیت در ادبیات راه یافته بود، در عرصه شعر و ادب متجلی گشت.⁽¹⁾

انقلاب مشروطه ایران یکی از بزرگترین و شگفت انگیز ترین رخدادهای تاریخ ایران است و به منزله نقطه عطفی در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان محسوب میشود. جامعه ایران در

يا كمال مي يابد از همين نقطه آغاز مي شود. و نيز بسياري از جرقه ها كه پيشتر سوسو مي زند، در اين دوره درخشيدن مي آغازند. از جمله در نثر: ساده نويسي، ادبيات طنزآميز و انتقادي، نثر خبري روزنامه اي، رساله نويسي، ترجمه، نمايشنامه نويسي، رمان، داستان کوتاه، قطعه ادبي، نقد ادبي و رواج فراوان موضوعات تازه مانند مبارزه با استبداد و استعمار، عدالتجويي، آزاديخواهي، ستايش وطن، نقد تعصبات و خرافات، حقوق و آزادي زن، تجدد و ترقي، قانون و... و همچنين در شعراولين نشانه قالب شكني و خروج از سنت ديده ميشود.⁽⁷⁾ اهداف شعر اين دوره آگاهي بخشي به مردم و تحريك حس وطن دوستي و ترويج اندیشه هاي آزادي فردي و اجتماعي و مبارزه با بيگانه پرستي و مزدوري و همين طور آشنا نمودن مردم با حقوق انسانيشان بود.⁽⁸⁾

انقلاب مشروطه بر اثر تغيراتي كه در نظام حكومت پديد آورد نظام ادبي را هم دگرگون ساخت به طوري كه مضامين رايج شعري كه وصف زلف و خط و خال و ابروي يار و حشمت و جلال پادشاه بود تبديل شد به مضامين انقلابي و سياسي، و زبان علمي و ادبي به يكباره شكسته شد و زبان عاميانه رايج شد و اين زبان هم به خدمت تفكرات جديد گرفته شد كه عبارت بود از آزادي سياسي و اجتماعي، تجدد خواهي، مبارزه با خرافات، ظلم ستيزي، وطن دوستي و دريك كلام ديگر حسن شعر در كذب بودن آن نبود بلكه راستي و واقع نگري بود كه اساس كار بود و شعر و نثري مورد توجه قرار مي گرفت كه هدف دار باشد و پيچيدگي هاي لفظي مانع فهم معنايش نشود.⁽⁹⁾

شعر قبل از مشروطه، اگرچه به مدد نهضت بازگشت ادبي از صلابت و استواري خاص فن شعر برخوردار بود، اما از فقر محتوا و مضمون به شدت رنج مي برد و در بيان نيز در اغلب موارد ثقييل و دشوار مي نمود. محتوای اشعار آن دوره به طور عمده در مديح طولاني، اشعار عرفاني گونه و بعضا مواعظ و نصايح خلاصه مي گرديد. از اين رو شعر قبل از مشروطه را كه جدا از اجتماع مردم و خواست ها و نيازهاي آنان بود، مي توان در مجموعه و در تبيري عام «شعر سكون» ناميد و بهترين مكان براي عرضه و خود نمائي آن نوع شعر جايي جز دربار نبود.⁽¹⁰⁾ شعر قبل از مشروطه جدا از آرزوها و آمال و نيازهاي توده مردم و بيگانه با رنج و مشكلاتشان بود. براي مثال قآني شاعر مشهور دوران قاجار، در حاليكه مردم آن عصر، در اوج فقر و ناداري و رنج مي زيستند، در جشن ختنه سوران شاهزاده قاجار اين چنين مي سرايد:

"اين چه جشن است، كزو او جان جهان در طرب است

ورنه افلاك از او سور و سرور در عجب است

در مورد شعر و ادبيات نيز بايد گفت "اگر تمثيل آيينه براي تبیین رابطه جامعه و ادبيات، در همه موارد درست نيابد و يا در دوره هايي اين خاصيت دچار قوت و ضعف شود، اما اين تمثيل براي توصيف ادبيات دوره مورد نظر بسيار مطلوب است. زيرا چنانكه مي بينيم واقعيات و رويدادهای اجتماعي به شكل و شيوه اي صريح و مستقيم در آينه ادبيات اين دوره منعكس است. چنانكه ادوارد براون در اين باره مي گويد: "اگر همه اشعار اين دوره جمع آوري شود، تقريبا تاريخ منظوم انقلاب را تشكيل خواهد داد."⁽⁴⁾

بنابراين ادبيات اين دوران فرزند زمانه پر تب و تاب خویش است و عميقا با زمان و مكان و مردم آن زمان گره خورده است. شاعران مشروطه خواه با توجه به رويدادهای اجتماعي و سياسي و مشكلات مردم، با سرودن اشعاري با مضامين سياسي و اجتماعي به يكي اصلي ترين حاميان انقلاب مشروطه تبديل ميشوند و آگاهي بخشي به توده هاي مردم را در مورد وضعيت موجود، سرلوحه كار خود ميكنند.

اين شاعران مضاميني را وارد شعر فارسي ميكنند كه تا پيش از آن سابقه نداشت. "هر گاه شاعر دردي را احساس كرد و يا موضوعي راديد كه پيشينيان آن را ندیده و يا از آن بحث نكرده بودند، آن هنگامی است كه امید جدید و سبك جدید و خلاقیت جدید و جنبش ادبی جدید می رود."⁽⁵⁾

به طور كلي اشعار شاعران اين دوران كه به زباني ساده و زبان مردم كوچه و بازار نوشته مي شدند تاثير بزرگي در بيداري ايرانيان داشتند. قيصر امين پور شعر مشروطه را آئينه دار دوره بيداري ناميده است. اين اشعار يكي از عوامل اصلي موفقيت انقلاب مشروطه بودند. به اين ترتيب با توجه به اهميت شعر مشروطه در طلايه داري و شروع ادبيات مدرن و تاثير آن در وقوع انقلاب مشروطه، به بررسي مهمترين مضامين شعر دوران مشروطه ايران خواهيم پرداخت.

2. تفاوت ادبيات مشروطه با ادبيات پيش از خود

ادبيات مشروطه در جريان جدال با ادبيات كهينه، شكل و جان مي گيرد و به همين دليل هم از نظر شكل و هم محتوا نو و سنت شكني است. متفكرين مشروطه اصرار دارند كه كلام را از قصرهاي باشكوه اشرافي بيرون بياورند و به خدمت مردم كوچه و بازار بگمارند.⁽⁶⁾

به هر روي بررسي اين دوره از بسياري جهات اهميت دارد. چون هم از نظر اجتماعي و هم از نظر ادبي يكي از پيچهاي مهم تاريخي و نقطه عطف بسياري از تحولات اجتماعي و ادبي امروز است. در واقع اين دوره را مي توان «دوره آغازها» ناميد، زيرا بسياري از پديده هاي اجتماعي و ادبي كه بعدها شكل مي گيرد

چرخ در رقص و زمین سرخوش و گیتی سرمست

راست پرسو طرب اندر طرب اندر طرب است" (11)

این در حالی است که شعر مشروطه به میان مردم آمد و رنج و درد آنها را با زبانی ساده بازنمایی کرد. مشهور است هرگاه هفته نامه " نسیم شمال " منتشر می شد مردم منتظر بر سر کوچه و بازار همه نسخه آن را در چند دقیقه می بردند و افراد باسواد آن را در قهوه خانه و بازارها برای همگان میخواندند. برای اولین بار بود که مفهوم مردم و حقوق آنها، ضرورت قانون برای اداره جامعه، آزادی و استقلال کشور از مداخله بیگانه و وطن دوستی و بسیاری مفاهیم دیگر وارد دنیای شعر و ادبیات شدند. برای مثال عارف قزوینی این گونه ناله خود بهر وطن را می سراید:

" ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است

مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است" (12)

و یا ابوالقاسم لاهوتی در مورد وطن این گونه می گوید:

"اگر پرسند از من چیست از جان و بدن بهتر؟

وطن بهتر، وطن بهتر، وطن بهتر، وطن بهتر" (13)

3. مهمترین مضامین شعری در دوران مشروطه

هدف اصلی این نوشتار این است که مهمترین مضامین سیاسی و اجتماعی شعر عصر مشروطیت را در شعر شاعران شاخص این دوره نشان دهد تا روشن شود در مجموع شعر این دوران در حیطه محتوا، دارای چه مضامینی است. " اصطلاحاً "درون مایه" و "مضمون" (theme)، با "موضوع" (topic یا subject) دارای تفاوت های بنیاد است. چرا که ممکن است درونمایه های چند اثر هنری، اندیشه های متفاوتی باشد در پیرامون یک موضوع واحد. برای مثال، "وطن" یا "عشق" می تواند موضوع خاصی باشد که اندیشه های متفاوتی در باره آن مطرح شود. " (14) این نوشته هم مضمون و هم موضوع را در برمیگیرد. به عبارت دیگر مضمون در اینجا به معنای گسترده خود به کار میرود که هم درون مایه و هم موضوع را در برمیگیرد.

همانطور که قبلاً ذکر آن رفت شعر مشروطه تاریخ منظوم دروه خود و انقلاب مشروطه است. به گفته ادوارد بروان اگر همه این دوره جمع آوری شود تقریباً تاریخ منظوم انقلاب را تشکیل خواهد داد. شاعران مشروطه با تکیه بر وقایع تاریخی، خود مقوم انقلاب و محرک توده های اجتماعی در آگاهی از شرایط حاکم اند. در این دوره « ادبیات هم مثل دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورد و انعکاس ارزشهای اجتماعی را وجه همت خود قرار داد» (15)

و نیز «از دیگر دلایل لزوم توجه به تحولات اجتماعی در بررسی شعر مشروطه، آمیختگی شدید شعر و شاعران با مسائل انقلاب و اجتماع است» (16). به طور کلی تحلیل محتوای دیوان شاعران

برجسته دوران مشروطه همچون دهخدا، عارف قزوینی، فرخی یزدی، بهار، لاهوتی، ایرج میرزا، میرزاده عشقی و... نشان می دهد.

لازم به ذکر است که موضوعات دیگری هم در شعر این دوران مطرح شده اما این موارد به اهمیت و گستردگی مضامین بالا نیستند. در اینجا به برخی از مهمترین مضامین مطرح شده در شعر مشروطه اشاره میکنیم:

1.3. وطن:

ازنقطه نظر علوم انسانی، مفاهیمی مانند "وطن" و "ملت" به معنای کنونی آن محصول انقلاب صنعتی و رواج صنعت سرمایه داری است. در ایران تا اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه، در متون و نیز آثار منظوم، واژه های وطن و ملت به معنای کنونی آن به کار نمی رفت.

در دوره مشروطه، غیر از فرهنگ عوام و زندگی روزانه و مسائل سیاسی و اجتماعی "شاعران غالباً برای تهییج و تحریک خواننده، به شعر نوعی چاشنی حماسی می زدند؛ نوعی فکر حماسی و ملی و فخر به گذشته و بیان افتخارات گذشته ایران، مایه غرور شاعر می شد. " (17) تجلی این فکر در اشعار بیشتر شاعران این عصر دیده می شود؛ از جمله بهار، ادیب الممالک، عشقی و عارف قزوینی. برای مثال شعر " رستاخیز شهرباران " عشقی، این توجه و علاقه را به تاریخ و گذشته ایران به خوبی می نمایاند. در واقع از همین رهگذر است که توجه به وطن و وطن دوستی "به معنای سرزمینی که مردمانی دارای مشترکات قومی، زبانی و فرهنگی در آن زندگی می کنند" (18) در آثار شاعران این دوره پدید می آید.

در آستانه نهضت مشروطه است که این واژه ها جایگاه خود را در اذهان باز می کند. از گویندگان این دوره اشعار زیادی در مورد وطن در دست است که به اشعار وطنی و یا وطنیه ها معروف هستند. (19) پیدایی احساسات و اندیشه های ملت دوستی و وطن خواهی به شکل آرمانی ملی متأثر از مشروطیت بود و با توجه به همین حالات بود که بهار، ترانه مشهور "مرغ سحر" را سرود و شهرت ملی عارف نیز به سبب تصنیف های وطنی اوست که در آنها با ملت ایران همدردی کرده است. در حقیقت "این ترانه ها، سخنانی است ساده، موزون، از دل برخاسته، حاکی از احوال ملت و برخی مسائل مملکت و دعوت به بیداری و هشیاری به زبان شاعرانه و موجز با اشارات کوتاه و پرتأثیر. " (20)

تحت تأثیر همین اندیشه وطن دوستی است که شاعران در ماتم وطن، جامه بر تن می درند و در سوگ جانباذانی که در راه آن و ارزش های اجتماعی جان نثار کرده اند، اشعاری می سرایند که

همان طور که ذکر آن رفت با عنوان "مرثیه های وطنی" از آنها یاد شده است:

"گردیده وطن غرقه اندوه و محن، وای

ای وای وطن وای

خیزید و روید از پی تابوت و کفن، وای

ای وای وطن وای

از خون جوانان که شده کشته در این راه

رنگین طبق ماه

خونین شده صحرا و تل و دشت و دمن، وای

ای وای وطن وای" (21)

به گفته ماشالله آجودانی اگر دیوانهای شعری این دوره یا روزنامه های این زمان را بگشاییم کمتر صفحه ای است که به نوعی در آن با مفهوم جدید وطن آشنا نشویم. تاثیرگذاری و شورانگیزی این نوع سروده ها دست مایه ای بوده است برای برانگیختن احساسات ملی و ضد استعماری مردم. نمونه زیر از ملک الشعرا بهار حال و هوای شعرهای وطنی آن دوره را به نمایش می گذارد:

"وطنیاتی با دیده تر می گویم

با وجودی که در آن نیست اثر می گویم

تا رسد عمر گرنامه به سر ، می گویم

بارها گفته ام و بار دگر می گویم

ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است" (22)

مؤلفه های جدیدی که در ساخت مفهوم جدید وطن تاثیر دارند همگی در عصر مشروطه به وجود آمده یا در حال رشد هستند؛ اما عامل اساسی دیگر که نباید از نظر دور شود برخورد ایران است با بقیه ی کشورها. در این رویارویی است که ایرانی نیاز دارد که هویت خود را بشناسد و در مقابل هجوم دیگر کشورها قرار دهد. بنابراین از اینجاست که یک ایرانی برای ساختن هویتی که توان مقابله با استعمار را داشته باشد و از تحقیر ایرانی در مواجهه با دولتهای مهاجم بکاهد؛ به فرهنگ گذشته خود پناه می برد.

"ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است

مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است" (23)

"اگر چه عشق وطن می کشد مرا اما

خوشم به مرگ که این دوست خیر خواه من است" (24)

نسیم شمال در مورد وطن از احادیث و روایات مذهبی متأثر شده و عشق به وطن را با آن بیان می کند:

"دم از حب الوطن خواهم زدن تا جان به تن دارم

میان قبر هم بر لب حکایات وطن دارم" (25)

ملک الشعرا بهار نیز اشعار زیبایی در ارتباط با وطن دارد:

"ای خطّه ایران مهین ای وطن من

ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من" (26)
میرزاده عشقی عشق به وطن را با وابسته نبودن و وطن را فدای مصالح شخصی نکردن بیان می کند:

"با هر محیط ، خویش نه همزنگ می کنم

نی لحن خود رهین هر آهنگ می کنم

با مدعی بگو به تعقیب من مـیا

من خود نگشته خسته ، تو را لنگ می کنم

مجنون منم که عشق وطن دارم و فغان

از عشق خاک و آب و گل و سنگ می کنم" (27)

عارف قزوینی نیز مانند هم عصران خود تصویرگر شرایط خاص وطن است وطنی که مردمانش با وجود خائنین و بیگانگان در وطن خود غریبند و از آنها غریب تر خود مردم ایران است. وطنی که مسئولان آن دزدان اداری هستند و هنوز هم از راه زنان مال و اندیشه و ناموس در رنج است:

"منم که در وطن خویشتن غریبم و زین

غریبتر که، هم از من غریب تر وطنم

به هرکجا که قدم نهم به کشور خویش

دچار دزد اداری ، اسیر راهزنم" (28)

یا ادیب الممالک از شعرای مشور این دوره این گونه وطن را به مادر تشبیه می کند:

"تا ز بر خاکی ای درخت برومند

مگسل از این آب و خاک رشته پیوند

مادر تست این وطن که در طلبش خصم

نار تناول به خاندان تو افگند

هیچت اگر دانش است و غیرت و ناموس

مادر خود را به دست دشمن مپسند

تاش نبرده اسیر و نیست بر او چیر

بشکن از او یال و بُرز و بگسل از این بند" (29)

و در نهایت میرزاده عشقی این گونه عشق خود را به وطن در شعر "عشق وطن" ابراز می دارد:

"خاکم به سر ز غصه به سر خاک اگر کنم

خاک وطن رفت چه خاکی به سر کنم" (30)

نباید از یاد برد که همه شاعران دوره مشروطه برداشت روش و صریح و یکسانی از واژه وطن در ندارند اگرچه وطن از نظر آنها به مفهوم امروزی و مدرن آن نزدیک است. این مفهوم کمابیش در شعر اکثر شعرای نامی آن دوران تجلی یافته که به ذکر مواردی از آنها اکتفا گردید.

2.3. آزادی:

پرجاذبه ترین مفهوم در ادبیات مشروطه که ذهن و زبان گویندگان آن عصر را به خود مشغول کرده بود مفهوم آزادی

دست خود زجان شستم از برای آزادی

تا مگر به دست آرم دامن وصالش را

می دوم به پای سر در قفای آزادی" (37)

باید توجه داشت که شاعران مشروطه در اشعار خود به طور پیگیر از آزادی دفاع می کردند و آنچه آزادی مردم را تهدید می کرد استبداد بود. بنابراین آنها به طور طبیعی به ستایش آزادی و همچنین انتقاد از حاکمیت استبداد می پرداختند. برای نمونه "بهار" رد مستزاد معروف خود که در عهد استبداد محمد علی شاهی سروده است این گونه بر استبداد می تازد:

"با شه ایران زآزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران باخداست

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب ها جداست

کار ایران باخداست" (38)

و عارف قزوینی نیز بعد از پیروزی ملیون و شکست محمد علی شاه پیام آزادی را با صدای رسا به گوش مردم می رساند:

"پیام دوشم از پیر می فروش آمد

بنوش که باده که یک ملتی به هوش آمد

هزار پرده زایران درید استبداد

هزار شکر که مشروطه پرده پوش آمد

ز خاک پاک شهیدان راه آزادی

ببین که خون سیاوش چنان به جوش آمد" (39)

فرخی یزدی همواره در اشعار خود آزادی را در مقابل استبداد قرار می دهد. زیرا او استبداد را مانعی اساسی در راه تحقق آزادی میدانند:

"آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود زجان شستم از برای آزادی

تامگر به دست آرم دامن وصالش را

می دوم به پای سر در قفای آزادی

در محیط توفان زای ماهرانه در جنگ است

ناخدای استبداد با خدای آزادی" (40)

همانطور که پیشتر ذکر آن رفت آزادی در این دوره بیشتر مترادف است بامفهوم حاکمیت قانون در معنای غربی آن. و برداشت اینان از حاکمیت قانون یا آزادی همان چیزی است که عمدتاً در قانون اساسی فرانسه آمده است و متضمن مفهیمی است چون آزادی قلم و بیان، آزادی احزاب، تساوی همه آحاد ملت در برابر قانون اساسی، حق حاکمیت ملت و پارلمانتاریسم که همه اینها عناصر تشکیل دهنده نظام مشروطیت هم هست. به همین جهت شعر این دوره آزادی را در تمام جلوه های سیاسی و اجتماعی آن مورد ستایش قرار می دهد و آبادی کشور و وطن را در سایه ملت و قانون امکان پذیر می داند. (41)

است. چیزی که تا پیش از آن شاعران این گونه بدان نپرداخته بودند اگر هم از آزادی سخن می گفتند مقصودی غیر از مفاهیم و اهداف مورد نظر شاعران معاصر مد نظرشان بوده است. (31)

به اعتقاد آجودانی محقق مشهور تاریخ مشروطه، ستایش از آزادی، قانون خواهی، استبداد ستیزی، خواست آزادی قلم و بیان و تشکیل پارلمان، استقرار حکومت مشروطه و مهمتر از همه به رسمیت شناختن حق حاکمیت ملت، مفاهیم نوینی است که بخش عظیمی از درون مایه های شعر مشروطه را به خود اختصاص داده است. (32) از میان این مفاهیم، "آزادی" شامل مباحثی در زمینه دموکراسی اجتماعی و سیاسی چون آزادی بیان، قلم، افکار، احزاب، قانون خواهی و حکومت قانون، پارلمانتاریسم، استقلال اجتماعی، اندیشه های ضد استبدادی و ضد استعماری، علل عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی زنان و به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی آنها. (33)

بوجود آمدن کلمه آزادی در معنای جدید سیاسی آن از زمان مشروطه آغاز می شود و به معنای یکسانی در نزد شاعران این دوره مورد استفاده قرار نمی گیرد. اما در اکثر موارد مفهوم آزادی متأثر از غرب است. آزادی در این دوره بیشتر مترادف است با مفهوم حاکمیت قانون در معنای غربی آن، و گاه به معنای استقلال سیاسی کشور به کار می رود؛ چنانکه در شعر بهار آمده است. با این همه، چه در شعر عارف چه در شعر بهار و چه در شعر فرخی، یا دیگر شعرای مشروطه، با همه ی تفاوت هایی که در دیدگاههایشان وجود دارد، موجد و مقوم آزادی قانون است و استقرار آزادی فقط به نیروی قانون امکان پذیر است. یکی از شاعران مشروطه که اشعار زیادی در ستایش آزادی سروده است عارف قزوینی است:

"فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش

بنمایید که هر کس نکند مثل من است" (34)

یا در جای دیگری این گونه در مورد آزادی می سراید:

"گر قباله جنت پیشکش کنی ندهم

یک نفس کشیدن را در هوای آزادی

طی راه آزادی نیست کار اسکندر

پیر شد در این ره خضر و مرد اندر این وادی" (35)

فرخی یزدی نیز اینچنین آزادی را در شعرش انعکاس داده است:

"رسم و ره آزادی یا پیشه نباید کرد

یا آنکه زجانبازی اندیشه نباید کرد

در سایه استبداد پژمرده شد آزادی

این گلبن نارس را بی ریشه نباید کرد" (36)

و یا:

"آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

3.3. آزادی و آموزش زنان:

از مظاهر دیگر آزادی خواهی در شعر این دوره مسئله حجاب و موضوع آزادی زنان است که به طور گسترده ای در شعر این دوره انعکاس یافته است.

همزمان با طرح مشروطه بحث حقوق زنان به عنوان طیف عظیمی از جامعه در صدر آرزوهای مشروطه خواهان قرار گرفت. این فرایند یعنی احقاق حقوق زنان در جامعه ایران، به خوبی در شعر مشروطه انعکاس یافت و جزء درونمایه های اصلی شعر مشروطه شد. اکثر شاعران عصر مشروطه از پیشروان دفاع از حقوق زنان بودند. اینان به نقش اساسی زنان در توسعه جامعه ایران توجه داشتند و میدانستند تا زمانی که طیف عظیمی از جامعه ایرانی محصور در موانع مختلف هستند، انتظار پیشرفت جامعه به صورتی متعادل غیرممکن است و بدون حضور آنان جامعه ایران در نهایت رشدی کاریکاتوری خواهد داشت. دعوت به تعلیم و تربیت زنان و اهمیت دادن به دانش اندوزی از شعارهای شاعران روزگار مشروطیت بود. یکی از موضوعات اساسی که مورد توجه شاعران این دوره قرار گرفته، مشکلات زنان و آزادی آنان است. در واقع زنان قبل از دوره ی مشروطه، از فعالیتهای اجتماعی و سیاسی دور بوده و نظام مردسالار آنان را از بیشتر حقوق اولیه ی خود محروم کرده بود. خانواده های قاجار جنبه ی مردسالاری داشت. زن هم در خانواده و هم در اجتماع در موقعیتی پایین تر از مرد قرار داشت (42).

در میان شاعران مشروطه بیش از همه نسیم شمال به وضعیت زنان توجه کرده است. برای نمونه:

"روز نشاط عالم است، تحصیل علم و خط و دین

وقت بلوغ آدم است، ای دخترک بیدار شو" (43)

میرزا یوسف خان اعتصام الملک- پدر پروین اعتصامی- اولین کسی بود که به گفته ی دهخدا «لواوی این حریت را برافراشت و بذر این شجر را کاشته است که وی چند سال پیش از مشروطیت در ربیع الثانی 1318 هـ ق کتاب «تحریمه المرئه» تألیف «قاسم امین مصری» را در حقوق آزادی زنان به فارسی ترجمه و به نام «تربیت نسوان» در تبریز چاپ کرد.» (44)

دهخدا بعد از مشروطه اولین کسی بود که موضوع حقوق زنان را پیش کشید. وی در روزنامه ی صور اسرافیل در مقالات «چرند و پرند»، وضعیت بد زنان و ظلم به آنان را با لحن طنز و لعن مورد بحث و انتقاد قرار داد. بعد از او سید اشرف الدین حسینی، مدیر روزنامه ی نسیم شمال، در برخی از اشعار خود از تربیت و حقوق زنان و دختران ایرانی گفت. جنگ بین الملل اول و نتایج آن، تأثیر زیادی در انعکاس زن در ادبیات داشته است. با پیشرفت و تحولات اجتماعی، اصلاح وضع زنان بیشتر جدی گرفته شد.

شعرا و نویسندگان هر کدام، برخی از آثار خود را به آزادی، تربیت و تساوی حقوق زنان در خانواده و جامعه اختصاص دادند، لاهوتی، ایرج، پروین، بهار و... در اشعار خود از حقوق زنان دفاع نمودند.

"ننگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد

عیب باشد که تو در خواب و جهانی بیدار" (45)

"چو زن تعلیم دید و دانش آموخت

روان جان به نور بینش افروخت

به هیچ افسون ز عصمت برنگردد

به دریا گر بیفتد برنگردد" (46)

"در آن سرای که زن نیست آنس و شفقت نیست

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان

به هیچ مبحث و دیباچه ای قضا ننوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان" (47)

"جوان بخت و جهان آرایی ای زن

جمال و زینت دنیایی ای زن

صدف خانه ست و صاحب خانه غواص

تو در وی گوهر یکتایی ای زن" (48)

به غیر از توجه به لزوم تعلیم و تربیت زنان و همچنین حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و حق تعیین سرنوشت آنها توسط خودشان، مساله حجاب نیز توسط شاعران مشروطه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در این شعر عشقی:

"چيست اين چادر و روبنده نازيبنده

گر كفن نيست پس بگو چيست اين روبنده" (49)

یا این شعر ایرج میرزا:

"فقيه شهر به رفع حجاب مایل نيست

چرا كه هرچه كند حيله در حجاب كند" (50)

یکی از اشعار مشهور در مذمت حجاب شعر میرزاده عشقی است: در مذمت حجاب

"آتشین طبع تو عشقی که روانست چو آب

رخ دوشیزه نگر از چه فکنده است نقاب

در حجاب است سخن گرچه بود ضد حجاب

از حجاب است که این قوم خرابند خراب

بس خرابی ز حجاب است که ناید بحساب

شرم چه مرد یکی بنده و زن یک بنده

زن چه کرده است که از مرد شود شرمنده

چيست اين چادر و روبنده نازيبنده

گر كفن نيست هلاچيست پس اين روبنده

مرده باد آنكه زنان زنده بگور افكنده

بجز از مذهب هر كس باشد

سخن اين جاي دگسر بس باشد
با كم ار يك دو سه گوينده هم آواز شود
كم كم اين زمزمه در جامعه آغاز شود
با همين زمزمه ها روى زنان باز شود
زن كند جامه شرم آور سرافراز شود
لذت از زندگي جمعيت احراز شود
ور نه تا زن بكفن سر برده
نيمي از ملت ايران مرده" (51)

يكي از ديگر از شعراي اين دوره كه مسائل زنان توجه خاص داشته " بهار" است. بهار نسبت به اوضاع نامناسب زنان آگاه است و نقاب و ناداني را علت آن ميشمارد و البته علت بزرگتر را نارسايي قوانين معرفي ميكند ولي توضيح نميدهد كه چه بايد كرد و كجاي قانون مشكل دارد:

"چادر و روى بند خوب نبود زن چنان مستمند خوب نبود
جهل اسباب عافيت نشود زن روبسته تربيت نشود
كار زن برتر است از اين اسباب هست يكسان حجاب و رفع
حجاب

گر قوانين ما همين باشد ابدالدهر زن چنين باشد" (52)

بدين شكل مسئله زن و حقوق وي بر ادبيات روزگار مشروطه سايه افكند و جزء مفاهيم اصلي شعر آن دوره شد. تقريباً همه شعراي آزاديخواه كم و بيش به مسئله زنان توجه كردند. همه آنان به تشريك مساعي زنان و اينكه زنان بايد از دستاوردهاي انقلاب مشروطه از قبيل آزادي، تعليم و تربيت، عدالت بهره مند شوند، اتفاق نظر داشتند. شعر دوره مشروطه با نگرشي نوين به زن مي پردازد و او را از منظر يك موجود انساني كه داراي حق و حقوقي است مي نگرد چيزي كه تا قبل از مشروطه وجود نداشته است و زن تنها به عنوان معشوقه و گهگاهي در جا يگاه همسر و مادر به كار مي رفته است. (53)

4.3. باستان گرایی و توجه به ایران باستان:

برای بسیاری از شاعران عصر مشروطه وطن دوستی به معنای گرایش به دوران امپراطوریهایی پیش از اسلام بوده است. هر چند انگیزه های آنان از باستان گرایی مشابه همدیگر نبوده است اما می توان این انگیزه ها را با آوردن یک نمونه شعر برای هر کدام به شرح زیر خلاصه کرد:

1.4.3. احیای هویت ملی:

"كجا شد فریدون زرین کلاه
كجا شد منوچهر گیتی پناه
كجا كیقباد آن یل سرفراز
كجا شد كاوونس دشمن گداز
كجا رفت كیخسرو تاجدار

چه شد شاه گشتاسب و اسفندیار
كجا رفت شاپور و شاه اردشیر
كه با دشنه درید پهلوی شیر" (54)

2.4.3. نوستالوژی و خوش بینی به ایران باستان: بسیاری از شاعران این دوره دل در گرو گذشته باستانی ایران داشتند گذشته ای كه به نظر آنان بزرگ و باشكوه بوده است و انوار علم و دانشش به همه جا تابیده است:

"یاد آن عهدی كه در مشرق تمدن باب بود
وز کران شرق نور معرفت پرتاب بود
یادشان رفته همان هنگام در مغرب زمین
مردمی بودند همچون جانور جنگل نشین" (55)

"یک زمانی نام ایران در جهان مشهور بود
شهرهایش جملگی با زینت و معمور بود
پادشاهانش همه با شوکت و با زور بود
پهلوانانش شجاع و پردل و مغرور بود
یادی از اسفندیار و رستم سردار کن
با الها ملت خوابیده را بیدار کن" (56)

3.4.3. التیام احساس حقارت در برابر بیگانه: شکستهای پی در پی ایران در جنگهای ایران و روس و تقسیم ایران به عنوان دو منطقه نفوذ انگلیس و روسیه و همچنین عقب ماندگی روزافزون ایران باعث شد بسیاری از شاعران این عصر برای غلبه بر احساس حقارت عقب ماندگی روزافزون به گذشته باستانی ایران روی بیاورند. رویکردی كه تا به امروز هم در میان مردم عادی و نیز نخبگان ایرانی دیده می شود.

برای نمونه ادیب الممالک با افتخار به باج گیریهای پادشاهان ایران در عهد باستان این گونه می سرايد:

"ماييم ك از پادشهان باج گرفتيم
زان پس كه از ايشان كمر و تاج گرفتيم
ديهيم و سرير از گهر و عاج گرفتيم
اموال و ذخايرشان تاراج گرفتيم
وز پيكرشان ديبه و ديबाچ گرفتيم
ماييم كه دريا امواج گرفتيم" (57)

از ديگر دلايل توجه به ايران باستان در عصر مشروطه، اسلام ستيزی بود. در اين دوره برخی با تاثير از شرق شناسی، اسلام را علت اصلي انحطاط ايران قلمداد کرده و راه نجات را بازگشت به ايران باستان می دانستند. همچنين اعتراض به ويرانی وطن و نابسامانی امور و انتقاد از علل و عوامل آن، يکی ديگر از انگيزه های شاعران باستانگرا بوده است. و نیز تحريك غرور ملی و تشويق ايرانيان به ادامه حيات و اميدواری به پيروزی انگيزه

دیگری برای گرایش به ایران باستان بود. برای نمونه در این شعر نسیم شمال:

"می شود ایران ما آباد غم مخور
ملتش از قید غم آزاد غم مخور
کشور سیروس و دارا و سکندر باشد این
مسکن افراسیاب و وطوس و نوذر باشد این
صیدا ها آسوده از صیاد گردد غم مخور
می شود ایران ما آباد غم مخور" (58)

5.3. مبارزه با دخالت بیگانگان:

حضور بیگانگان در سیاست داخلی ایران و دخالت‌های آنان باعث شده بود که نام و اعمال آنان وارد شعر مشروطه شود. شاعران این دوره در اشعار خود به دخالت بیگانگان و نیز مزدوری عمال و دست نشانده های داخلی آنان حمله می کردند و آنها را باعث اوضاع فلاکت بار و بدبختی ایرانیان می دانستند. در جای جای اشعار این دوره به نام روس و انگلیس و حتی آلمان برمیخوریم:

"خاک ایران شده ویران ز سه فیل
روس فیل، انگو فیل ، آلمان فیل" (59)

گیلانی(نسیم شمال) همچنین در جنگ جهانی اول از ستم کاریهای روسها در آذربایجان می گوید:

خصم اگر آغاز هتاکی کند
روس در تبریز سفاکی کند (60)

یا ایرج میرزا در مخالفت با قرارداد 1907 این گونه سروده است:

"گویند که انگلیس با روس
عهدی کردست تازه امسال
کاندر پلتیک هم در ایران
زین پس نکنند هیچ اهمال
افسوس که کافیان این ملک
بنشسته و فارغند از این حال
کز صلح میان گربه و موش
بر باد رود دکان بقال" (61)

فرخی شاعر معترض که بعدها در زندان رضا شاه به طرز فجیعی به قتل رسید هم اشعار زیادی در اعتراض به دخالت بیگانگان دیده می شود از آن جمله:

"دست اجنبی افراشت تا لوای نا امنی
فتنه سربه سر بگذاشت سر به پای نا امنی
شد به پا در این کشور شور و شورش محشر
گوش آسمان کرشد از صدای نا امنی" (62)

عارف نیز شاعر دیگری است که در اشعار خود به مبارزه با بیگانه می پردازد:

"خانه ای کو شود از دست اجانب اباد

زاشک ویران کنش آن خانه بیت الحزن است (63)

به طور خلاصه ستیز با استعمار و مخالفت با دخالت بیگانگان یکی از مضامین اصلی شعر مشروطه است. شاعران این عصر عمیقاً باور داشتند که بیگانگان کمر به نابودی و ضعیف کردن روز افزون ایران و از بین بردن فرهنگ ایرانی بسته بودند.

4. نتیجه گیری

از مهمترین موضوعات سیاسی واجتماعی شعر مشروطه به ترتیب اهمیت و کثرت کاربرد به شرح زیر است:

1. وطن و تشویق مردم به وطن دوستی: جریان از شعر سیاسی متجلی شد که بشدت یابه طرف تعلیمی برخاسته از انقلاب گرایش پیدا کرد و یابه طرف وطن پرستی و انتقاد از وضع موجود تلاشهای بی وقفه آن برای اصلاح و بهبود وضع زندگی مردم بکار رفت.

2. قانون گرایی، در حوزه تفکر و محتوا، شامل وطن، آزادی قانون، فرهنگ نو و تعلیم تربیت جدید، تمجید از علوم جدید، مسأله زنان و برابری آن بامرد، مبارز به خرافات ... است.

3. مخالفت با دخالت بیگانگان، استعمار فرانسوی، انگلیسی، روسی به ایران چشم طمع دوخته است، درست است که ایران جای هرج و مرج شد، ولی تحولات و دگرگونیها در اروپا حاصل گشت، مسلماً به ایران منجر گردیده، و این تحولات نوع جدید را از ادبیات بوجود آورد.

4. باستان گرایی، بهار در مکتب شعر کلاسیک سنتی ایران تعلیم یافته بود و اغلب از قوالب بسیار پیچیده هنری استفاده می کرد، وی خیلی کم تحت تاثیر شعر اروپایی قرار گرفت و این مسأله خصوصاً در ترتیب قوافی اشعارش بخوبی مشهود است.

5. انتقاد از اوضاع سیاسی واجتماعی، مسلم است، موضوعات شامل مضامین ومسائل اجتماعی بازبان ساده مطرح گشت ومورد قبول عامه شد، در نتیجه این عوامل باعث می گرد که محیط ابراز خردک خردک تغییر کند و برای قبول بعضی تفکرات جدید که اغلب از اقتباس مغربزمین، ومایه ای از واقع اجتماعی میگرفت، آماده شود.

6. آگاهی بخش به مردم، از خصوصیات شعر دوره انقلاب غالباً خطاب به مردم است، وشاعر ناچار برای شعر خود زبانی انتخاب می کرد که طبقات مختلف مردم بتوانند آنرا درک کنند.

7. مبارزه به استبداد، میرزا ابوالقاسم در ادب و سیاست صاحب نظر بود و خواست جامعه ایران را از دست استعمار وچپاول گران رها کند، وشاعران قلم خود رامیان مردم ریختند، ومبارزه بااستبداد نوشتند.

8. مشروطه ، بعد از اعلان مشروطه رسماً و مشروطه شناخته شد ، پس از آن ، در ایران همه جا سخن از آزادی و مشروطه متداول شده بود .
9. توجه به علم ودانش ، در اشعار تعلیمی شاعران مردم را به محبت و توع دوستی و پاک قلبی فرامی خواند چراکه این خوبی است که همیشه پایاست .
10. مسائل زبان ، توزایی ایران نوین ، وضع زنان ایرانی رامتحول ساخته و باعث شده که آنها دوش به دوشی مردان کارهای مملکتی در تمام جنبه های زندگی بفعالیت بپردازند .
- 5. پانوشت ها**
1. تشکری، منوچهر: مضامین و قالبهای شعر مشروطه، ص 1.
 2. ادیب الممالک: دیوان کامل ادیب الممالک، ص 520.
 3. خرابی، فاروق: عنصر سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه، ص 118.
 4. امین پور، قیصر: شعر مشروطه آئینه دار دوره بیداری، ص 40.
 5. یوسفی، غلامحسین: چشمه روشن، ص 442.
 6. غفاری جاهد، مریم: ادبیات سیاسی عصر مشروطه، ص 1.
 7. امین پور، قیصر: شعر مشروطه آئینه دار دوره بیداری، ص 41.
 8. ذاکر حسن، عبدالرحیم: ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ص 330.
 9. غفاری جاهد، مریم: ادبیات سیاسی عصر مشروطه، ص 12.
 10. درخشنده، محمدرضا: وطن خواهی در شعر سیاسی پس از مشروطه ص 2.
 11. شفیعی کدکنی، محمد رضا: ادوار شعر فارسی ص 12.
 12. سپانلو، محمد علی: شهر شعر عارف، ص 128.
 13. درخشنده، محمدرضا: وطن خواهی در شعر سیاسی پس از مشروطه، ص 38.
 14. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 1.
 15. یاحقی، محمد جعفر: چون سبوی تشنه، ص 17.
 16. امین پور، قیصر: سنت و نوآوری در شعر معاصر، ص 298.
 17. زرین کوب، حمید: چشم انداز شعر نو فارسی، ص 31.
 18. یاحقی، محمد جعفر: جویبار لحظه ها، ص 21.
 19. کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، ص 47.
 20. یوسفی، غلامحسین: چشمه روشن، ص 397.
 21. نسیم شمال: کلیات، ص 167.
 22. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 4.
 23. عارف قزوینی، ابوالقاسم: دیوان اشعار، ص 202.
 24. همان منبع، ص 212.
 25. خرابی، فاروق: سیاست و اجتماع در عصر مشروطه، ص 33.
 26. بهار، محمد تقی: دیوان اشعار، ص 208.
 27. سپانلو، محمد علی: چهار شاعر آزادی، ص 200.
 28. سپانلو، محمد علی: شهر شعر عارف، ص 141.
 29. ادیب الممالک: دیوان کامل ادیب الممالک، ص 169.
 30. میرزاده عشقی: کلیات، ص 377.
 31. کلهر، محمد: مفاهیم نو در ادبیات مشروطه، ص 124.
 32. آجودانی، ماشاءالله: شعر مشروطه، ضد استبداد ضد استعمار، ص 12.
 33. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 2.
34. عارف قزوینی: دیوان اشعار، ص 202.
 35. عارف قزوینی: دیوان اشعار، ص 218.
 36. سپانلو، محمد علی: چهار شاعر آزادی، ص 469.
 37. فرخی یزدی: دیوان، ص 167.
 38. بهار، محمد تقی: دیوان اشعار، ص 263.
 39. سپانلو، محمد علی: شهر شعر عارف، ص 45.
 40. فرخی یزدی: دیوان، ص 177.
 41. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 13.
 42. کراچی ، روح انگیز: اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، ص 23.
 43. نسیم شمال: کلیات، ص 75.
 44. آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، جلد 3، ص 8.
 45. لاهوتی: کلیات، ص 13.
 46. ایرج میرزا: برگزیده آثار، ص 168.
 47. بهار ملک الشعرا: دیوان اشعار، ص 119.
 48. بهار ملک الشعرا: دیوان اشعار، ص 119.
 49. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 14.
 50. آجودانی، ماشاءالله: درون مایه های شعر مشروطه، ص 14.
 51. میرزاده عشقی: کلیات، ص 177.
 52. بهار ملک الشعرا: دیوان اشعار، جلد 2، ص 934.
 53. آقازاده، مینا: سیمای زن در شعر مشروطه، ص 4.
 54. ادیب الممالک: دیوان کامل ادیب الممالک، ص 654.
 55. میرزاده عشقی، کلیات اشعار، ص 33.
 56. نسیم شمال: کلیات، ص 540.
 57. ادیب الممالک: دیوان کامل، ص 516.
 58. نیکبخت، ناصر: انگیزه های توجه به ایران باستان در شعر مشروطه، ص 12.
 59. نسیم شمال: کلیات، ص 404.
 60. همان.
 61. ایرج میرزا: برگزیده آثار، ص 193.
 62. فرخی یزدی: دیوان اشعار، ص 177.
 63. عارف قزوینی: دیوان اشعار، ص 202.
- 6. منابع**
- آجودانی، ماشاءالله (1372) درون مایه های شعر مشروطه، مجله ایران نامه شماره 44.
- آجودانی ماشاءالله (1364) شعر مشروطه: ضد استبداد ضد استعمار، نشر دانش شماره 30.
- آرین پور، یحیی، (1387) از صبا تا نیما، 2 جلدی، تهران، انتشارات زوار، چاپ نهم، 1387
- آقازاده، مینا، (2012) سیمای زن در شعر مشروطه، www.shereno.com.
- ادیب الممالک، میرزا صادق خان امیر (1312)، دیوان کامل ادیب الممالک ، تصحیح وحید دستجردی، تهران: نشر ارمغان.
- امین پور قیصر (1386) سنت و نوآوری در شعر معاصر جلد 3 تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- امین پور قیصر (1376) شعر مشروطه آئینه دار دوره بیداری، مجله ایران شناخت شماره 7.
- ایرج میرزا (1353) جاودانه ی ایرج میرزا برگزیده ی آثارش، به اهتمام غلام رضا ریاضی.

مشروطه. <http://guilan-e-ma.ir/2011/07>
فرخى يزدي، محمد (1369)، ديوان اشعار به كوشش حسين مكى تهران:
اميركبير.
فرخى يزدي، محمد (1376) ديوان فرخى يزدي، به اهتمام حسين
مكى، تهران: انتشارات جاويدان.
كلهر محمد (1385) مفاهيم نو در ادبيات مشروطه مجله مسكويه پيش
شماره 5.
كراچى، روح انگيز (1374)، اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، تهران: نشر
نى .
كسروى، احمد (1354) تاريخ مشروطه ايران، تهران: انتشارات اميركبير.
گيلانى، سيد اشرف الدين « نسيم شمال » (1375) كليات، با اهتمام احمد
اداره چى گيلانى، تهران: انتشارات نگاه.
لاهوتهى، ابوالقاسم (1357) كليات، به كوشش بهروز مشيرى، تهران، انتشارات
توكا.
ميرزاده عشقى (1357) كليات، به كوشش على اكبر مشير سليمي، تهران:
انتشارات اميركبير.
عشقى، ميرزاده (1373) سده ميلاد، به كوشش سيد هادى حائرى (كوروش)،
تهران، نشر مركز
نيكيخت، ناصر (1386) انگيزه هاى توجه به ايران باستان در شعر مشروطه،
فصلنامه پژوهشهاى ادبى، شماره 15.
ياحقى، محمدجعفر (1388) جويبار لحظه ها، (ادبيات معاصر فارسى، نظم و
نثر)، تهران، جامى.
ياحقى، محمد جعفر (1374) چون سبوى تشنه، ج 1، تهران، انتشارات
جامى.
يوسفى، غلامحسين (1358) چشمه روشن، تهران، انتشارات علمى.

براون، ادوارد (1380) انقلاب مشروطيت ايران، ترجمه ي مهرى قزوينى، تهران:
انتشارات كوير.
بهار، محمدتقى ملك الشعرا (1368) ديوان اشعار، به كوشش مهرداد بهار،
تهران: انتشارات توس.
بهار، محمدتقى ملك الشعرا (1380) ديوان اشعار، به كوشش چهرياد
بهار، تهران: انتشارات توس.
تشكرى، منوچهر (1385) مضامين و قالبهاى شعر مشروطه، روزنامه اطلاعات،
شماره 23678.
خارابى، فاروق (1376) عنصر سياسى و اجتماعى در شعر مشروطه، نامه علوم
اجتماعى شماره 9 و 10.
خارابى، فاروق (1380) سياست و اجتماع در عصر مشروطه، انتشارات دانشگاه
تهران.
درخنده محمدرضا (1384) وطن خواهى در شعر سياسى پس از مشروطه
نشريه حافظ شماره 14.
ذاكر حسين، عبدالرحيم (1377) ادبيات سياسى ايران در عصر مشروطيت.
زرين كوب، حميد (1358) چشم انداز شعر نو فارسى، تهران، انتشارات توس.
سپانلو، محمد على (1369) چهار شاعر آزادى تهران: انتشارات نگاه.
سپانلو محمد على (1375) شهر شعر عارف تهران نشر علم.
شفيعى كدكنى، محمدرضا (1380) ادوار شعر فارسى (از مشروطيت تا سقوط
سلطنت)، تهران: انتشارات سخن.
عارف قزوينى، ابوالقاسم (1358) ديوان اشعار به كوشش سيف آزاد
تهران: انتشارات اميركبير.
غفارى جاهد مريم، (1386) ادبيات سياسى عصر مشروطه كتاب ماه ادبيات
شماره 4.
فروجودى، رقيه (2011) گفتمان آزادى و تحول مضامين اجتماعى شعر

شيعير و شوپره ش: ليكولينه وه له گرنگترين ناوه روکكه كاني شيعيرى سياسى و كۆمهلايه تى شيعيرى سهرده مى مه شرووته (1905ز. 1925ز.)

پوخته:

شوپرى مه شرووته به هۆى ئه و گۆرانكار يانه ي كه له سيستمى حوكمدارى دا به دى هينا، به هه مان شيوه شيعير و ئه ده بيشى تووشى گۆرانكارى كرد. هه رچه ند نابى له بېرمان بچيت كه ئه م شوپره بۆ خويشى ئه نجامى هاتنه ئاراي بېرو باوه پى نوئ بوو كه له شيعيرى شاعيرانى ئه م سهرده مه دا په ننگى دايه وه و ئاكامى ئه وه ش وشيار بوونه وه ي هه پچى زياترى خه لك به مافه ئينسانيه كاني خويان بوو. به گشتى ئه توانين په نگدانه وه ي گۆرانكار يه كاني ئه م سهرده مه له شيعيرى سهرده مى مه شرووته دا ببينين. شيعيرى مه شرووته به زۆرى سياسيه و گريداوى شوپرى مه شرووته يه. له ئاسه وارى شاعيره گه وره كاني ئه م سهرده مه دا چه مكى وه كوو : نيشتمان په ره رى، ئازادى، به ريه ره كاني له گه ل سهره پۆيى و ديكتاتورى ناوخۆ و ده ست تپوره داني بيگانه كان و سهرنج دان به كيشه كاني ژنان به زۆرى ئه بينرى. ئه م توپيزينه وه هه لئه ستى به توپيزينه وه ي گرنگترين بابته سياسى و كۆمهلايه تيه كاني شيعير له سهرده مى مه شرووته ي ئيراندا.

په يقين سهره كى: شوپرى مه شرووته، شيعير و شوپره ش، ناوه روكى سياسى و كۆمهلايه تى، شيعيرى سهرده مى مه شرووته.

Poetry and Revolution: Study on the Prominent Political and Social Affairs in the Poetry of the Constitutional Revolution's (1905-1925)

Abstract:

The Constitutional Revolution in Persia has resulted in a number of great changes in poetry in particular and in literature in general. It should be born in mind that the revolution was by itself the fruit of some new thoughts and beliefs that appeared and got mirrored in poetry then. Poetry had a vital role in sharpening people's awareness of their legal human rights. Generally speaking, we can detect all sorts of the changes embodied in poetry of that age. Poetry of the constitution era was mainly of political flavor linked to the revolution. Poets then held concepts like patriotism, freedom, the dispute between local dictatorship and foreign interference, and feminism. This study is an attempt to investigate the prominent political and social affairs in the poetry of the constitutional revolution's era in Persia.

Keywords: Constitutional Revolution, Poetry and Revolution, political and social affairs, Poetry on the constitutional era.